خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ . ۱۰ شعبان ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۲۸

سلفی مرگبار در کنار قطار تهران- مشهد

مردی ۲۶ ساله بامداد شنبه به خاطر گرفتن عکس سلفی، جان خود را از دست داد. به گزارش رکنا، رئیس پلیس دامغان در این باره گفت: بامداد شنبه حادثه تلخی در مینی ایستگاه زرین دامغان به وقوع پیوست. وی افزود: یک مرد ۲۶ ساله که به اتفاق چند نفر از دوستان خود در این مینی ایستگاه حضور داشته برای گرفتن عکس سلفی به نیم متری خط راه آهن رفته است که با قطار برخورد می کند.

آخرین وضعیت آواربرداری در تونل معدن آزادشهر

مسئول گروه‌های امداد و نجات اعزامی معدن های استان‌ها به معدن زمستان یورت آزادشهر، با اشاره به اینکه عملیات آواربرداری در دو جبهه در حال انجام است، گفت: از هر دو جبهه در حال نزدیک شدن به اتاق استخراج هستیم و امیدواریم بتوانیم زودتر به محل قرارگیری معدنچیان برسیم. به گزارش ایسنا، کرامت قنبری در جمع خبرنگاران در محل حادثه معدن آزادشهر گلستان، اظهار کرد: در مسیر و جبهه اول از ۱۲۰ متر آوار پیش بینی شده، در حال حاضر ۳۰ متر آواربرداری انجام شده و در مسیر دوم که مسیر فرعی است از ۱۰۰ متر مسیر آوار، ۳۰ متر آواربرداری انجام شده است. قنبری خاطرنشان کرد: هم اکنون شش تیم ۱۰ نفره از معدنکاران و متخصصان معدن از استان های کرمان، مازندران، یزد، سمنان، خراسان جنوبی و گلستان کار آواربرداری را انجام می دهند. با گذشت چهار روز از حادثه انفجار معدن زغال سنگ زمستان یورت آزاد شهر، تاکنون جسد ۲۲ معدنچی جانباخته از تونل معدن خارج شده است.

اعترافات هولناک عامل قتل دختر ۵ ساله

متهم: «رقیه» را از اتاق به روی سرامیک‌های کف پذیرایی پرتاب کردم!

سید خلیل سجادپور- ناپدری که متهم به قتل دختر ۵ساله مشهدی است، صبح روز گذشته در اعترافاتی هولناک، ماجرای مرگ دلخراش «رقیه کوچولو» را تشریح کرد.

به گزارش اختصاصی خراسان، متهم ۳۷ ساله این پرونده جنایی در بازجویی های اولیه، ضمن انکار کتک کاری فرزند همسرش به کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی گفت: آن روز صبح (هفتم اردیبهشت) طبق معمول مشاجره ای بین من و همسر صیغه ای ام آغاز شد که مادر زنم وارد ماجرا شد و به دخالت در امور زندگی من پرداخت. در این لحظه من که به شدت عصبانی بودم، مادر زنم را هل دادم که او روی نوه اش افتاد و دختر همسرم به زمین خورد!!

گزارش خراسان حاکی است: اظهارات این مرد که «ع. م» نام دارد با واقعیت های صحنه حادثه مطابقت نداشت، چرا که اعترافات وی برخلاف تشخیص پزشکان درباره علت مرگ دختر ۵ ساله بود. به همین دلیل قاضی «کاظم میرزایی» (قاضی ویژه قتل عمد) با صدور دستورات قضایی، متهم مذکور را در اختیار کارآگاهان قرار داد تا بازجویی ها از وی به شیوه فنی و تخصصی ادامه یابد.

این مرد در حالی حلقه های قانون بر دستانش گره خورده بود که کودک ۵ ساله با چشمانی بسته روی تخت مراقبت های ویژه بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد قرار داشت و آخرین نفس های زندگی اش را می کشید.

پدر این کودک که با شنیدن ماجرای کتک کاری فرزندش هراسان و نگران خود را به مرکز درمانی رسانده بود، با دیدن وضعیت وخیم دخترش، حال روحی مناسبی نداشت. او در حالی که از عاملان ضرب و جرح فرزندش شکایت می کرد، گفت: سال گذشته وقتی از همسرم جدا شدم، قرار بود به حکم دادگاه هفته ای یک بار دخترم را ببینم ولی همسرم به مکان نامعلومی رفت و با پنهان کردن دخترم، مرا از دیدن او محروم ساخت تا این که امروز یکی از بستگانم با من تماس گرفت و گفت دخترت در بیمارستان بستری است. من هم بلافاصله خودم را به مرکز درمانی رساندم و با این صحنه دلخراش روبه رو شدم....

گزارش خراسان حاکی است: با توجه به اسناد و مدارک موجود و انجام یک سری تحقیقات میدانی توسط قاضی ویژه قتل عمد و کارآگاه حمیدفر (افسر پرونده) بررسی ها برای کشف زوایای پنهان پرونده کودک آزاری ادامه داشت که «رقیه کوچولو» دیگر نتوانست رنج ها و دردها را تحمل کند و در حالی که پزشکان تلاش می کردند تا اعضای او به بیماران نیازمند اهدا شود، این دختر دچار «ایست قلبی» شد و دار فانی را وداع گفت. با مرگ این دختر که بر اثر کودک آزاری برخی اندام هایش شکسته شده بود، تحقیقات کارآگاهان وارد مرحله جدیدی شد و این گونه بازجویی ها به شیوه ای دیگر ادامه یافت.

این بار ناپدری ۳۷ ساله وقتی مقابل شواهد مستند قرار گرفت، چاره ای جز اعتراف ندید و در حالی که عنوان می کرد آن لحظه هیچ چیز نمی فهمیدم، به تشریح ماجرای قتل رقیه کوچولو پرداخت و در اظهاراتی تکان دهنده گفت: حدود یک سال قبل مادر رقیه را که از همسرش طلاق گرفته بود، به عقد موقت خودم درآوردم تا مخارج زندگی اش را بپردازم، ولی بیکاری من موجب بروز اختلافاتی در زندگی ام شد، چرا که من کارگر ساده ای بودم و بیشتر اوقات نمی توانستم سر کار بروم.

متهم این پرونده جنایی ادامه داد: آن شب را در منزل همسرم سپری کرده بودم که صبح به منزل همسر صیغه ای ام (مادر رقیه) رفتم. اما به خاطر همین مسائل باز هم مشاجره لفظی بین من و همسرم آغاز شد، در این هنگام «رقیه» از خواب بیدار شده و به داخل اتاق آمد و کنار مادرش قرار گرفت. من که عصبانی بودم سیلی محکمی به صورتش زدم که او گریه کنان از اتاق بیرون رفت. مشاجره ما همچنان ادامه یافت تا این که به صورت فیزیکی با هم درگیر شدیم، این در حالی بود که مادر زنم نیز وارد اتاق شد تا از درگیری ما جلوگیری کند، ولی باز هم «رقیه» با چشمانی اشکبار داخل اتاق آمد که این بار او را از در اتاق به پذیرایی پرتاب کردم. سرش به سرامیک های کف پذیرایی خورد و در حالی که گیج بود از جایش بلند شد. دیگر چیزی نمی فهمیدم، خیلی خشمگین بودم که از شدت عصبانیت دوباره او را به سوی کمد پرت کردم و دو یا سه لگد هم به شکم و اندامش زدم! سپس «رقیه» را در همین وضعیت رها کردم و همسرم را به سوی تراس منزل کشیدم تا با هم صحبت کنیم. این جا بود که برادر زنم نیز روی تراس آمد. مشغول مشاجره بودیم که ناگهان مادر زنم هراسان فریاد زد حال «رقیه» خراب است. وقتی به پیکر نیمه جان او نگاه کردم فهمیدم که وضعیت وخیمی دارد، به همین خاطر او را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد بردیم و ادعا کردم که او از روی پله ها سقوط کرده است. ترسیده بودم، نمی توانستم در مرکز درمانی بمانم، چرا که پزشکان از او قطع امید کرده بودند. به همین دلیل از آن جا خارج شدم، ولی وقتی برای جویا شدن از وضعیت او، به مرکز درمانی رفتم، توسط پلیس دستگیر شدم.

گزارش خراسان حاکی است: اما اظهارات دیگر مادر کودک، باز هم ماجرای این پرونده جنایی را پیچیده تر کرد. این زن که مدعی بود به خاطر اختلافات خانوادگی نتوانسته با همسر سابقش زندگی کند، درباره ماجرای مرگ «رقیه» به کارآگاهان گفت: «ع. م» در حالی که به شدت عصبانی بود، با دسته چاقو ضربه محکمی به سر فرزندم زد به طوری که دسته چاقو شکست!!

در پی اظهارات این زن، چاقوی مورد ادعا نیز برای بررسی های دقیق تر ماجرای مرگ «رقیه کوچولو» توسط کارآگاهان ضبط شد. بنابراین گزارش، تحقیقات بیشتر در این باره با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی میرزایی همچنان ادامه دارد.

عکس از علیشاهی

نجات کودک ۳ ساله از چنگ گرگ درنده

حمله گرگ به روستاهای شهرستان خدابنده در استان زنجان به قصه تکراری تبدیل شده است که بیشتر قربانیان آن کودکان بی دفاع هستند.

به گزارش ایرنا، عصر جمعه گذشته دختربچه سه ساله در روستای زرند شهرستان خدابنده مورد هجوم یک قلاده گرگ قرار گرفت و از ناحیه سر، صورت و شکم مجروح شد.

هرچند این گرگ گرسنه، کودک سه ساله را به عنوان طعمه، شکار کرده و حدود یک کیلومتر نیز با خود برده بود اما تلاش اعضای خانواده باعث شد تا گرگ او را بر زمین گذاشته و پا به فرار بگذارد.

مادر کودک ۳ ساله حادثه دیده گفت: گرگ مهاجم پس از ورود به باغچه منزل در یک لحظه کودکم را از دست خواهر ۱۲ ساله و پدربزرگش کشید و رفت اما با تلاش اعضای خانواده و اهالی روستا نجات پیدا کرد.

وی افزود: در حال حاضر فرزندم در بخش مراقبت های ویژه کودکان بستری است و امیدوارم با تلاش پزشکان هرچه زودتر بهبود یابد.

پدر این کودک نیز گفت: در داخل منزل بودیم که با فریادهای بلند دختر ۱۲ ساله ام بیرون آمدیم و وقتی خبر را شنیدیم بی درنگ و پیاده درپی گرگ مهاجم که هنوز فاصله زیادی با ما نداشت و کودکم (فاطمه) را زنده با خود می برد دویدیم.

امیرعلی کرمی افزود: خودم، اعضای خانواده و اهالی روستا حدود ۲ کیلومتر این گرگ را تعقیب کردیم و این حیوان درنده چون صدای داد و فریاد اهالی روستا و شلیک تیر را شنید به خاطر ترس از جان، کودک را در پای کوه رها کرد و از محل دور شد. این در حالی است که 'محمد' پسر بچه روستایی ۱/۵ ساله نیز ۲۹ فروردین امسال در یکی از کوچه های روستای زواجر از توابع خدابنده مورد هجوم یک قلاده گرگ قرار گرفت که با کمک اهالی روستا از چنگال گرگ جان سالم به در برد و به دلیل زخمی شدن از نواحی مختلف بدن به منظور درمان به بیمارستان امیرالمومنین این شهرستان و سپس به بیمارستان آیت ا... موسوی زنجان منتقل شد و تاکنون نیز در این بیمارستان بستری است.

دزدان مسلح خودروهای لوکس به دام افتادند

پلیس آگاهی استان البرز با انتشار تصاویر سارقان به عنف مامور نما، از شهروندان درخواست کرد چنانچه از سوی این افراد مورد سرقت قرار گرفته اند، برای شناسایی متهمان به پلیس آگاهی مراجعه کنند.

به گزارش مهر، رئیس پلیس آگاهی استان البرز، گفت: در پی دریافت گزارشی مبنی بر سرقت مسلحانه دو نفر از راننده یک دستگاه خودروی سواری "کیا سراتو" پیگیری موضوع در دستور کار ماموران پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت.

سرهنگ جواد صفایی ادامه داد: اقدامات اولیه برای شناسایی سارقان آغاز شده بود که ماموران در جریان یک سرقت مسلحانه نافرجام دیگر از راننده یک دستگاه خودروی تویوتا قرار گرفتند.

وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع، پرونده با شتاب بیشتری پیگیری شد و ماموران با اقدامات اطلاعاتی و تعقیب و مراقبت های شبانه روزی، در نهایت یکی از متهمان را دستگیر کردند و در پی اعترافات وی مبنی بر سرقت های مسلحانه با همدستی فرد دیگری، محل اختفای متهم در تهران شناسایی شد. سرهنگ صفایی گفت: ماموران پس از اطمینان از حضور متهم در منزلش، وی را در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کردند؛ در بازرسی از محل دو قبضه اسلحه ، ۸ جفت پلاک سرقتی ، تعدادی اموال سرقتی و مدارک شناسایی مالباختگان و سه دستگاه خودروی BMW ، یک دستگاه خودروی کیا سراتو و یک دستگاه پژو ۴۰۵ مسروقه که از آن در سرقت های مسلحانه استفاده می کردند، کشف شد. رئیس پلیس آگاهی استان البرز در تشریح جزئیات سرقت های مسلحانه اعضای این باند گفت: متهمان تحت عنوان ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر و یا پلیس آگاهی با کمین در مناطق خلوت شهر کرج، جلوی خودروهای عبوری را گرفته و با تهدید اسلحه، با ادعای اینکه راننده خودرو اقدام به حمل مواد مخدر کرده است و یا مظنون به قتل است، وی را سوار بر خودروی پژو ۴۰۵ سرقتی کرده و پس از انتقال خودروی سرقتی به مکان مناسبی با تعویض پلاک اصلی با پلاک سرقتی از آن در جرایم کلاهبرداری و سرقت استفاده می کردند. وی ادامه داد: با توجه به احتمال سرقت های دیگر اعضای این باند از افراد متعدد، بازپرس شعبه ۲۲ دادسرای کرج، دستور چاپ تصاویر بدون پوشش متهمان را در رسانه های جمعی صادر کرده است، بنابراین از شهروندانی که به این شیوه یا توسط این افراد مورد سرقت قرار گرفته اند درخواست می شود برای پیگیری شکایت خود به اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استان البرز واقع در میدان طالقانی کرج، بلوار تعاون یا شعبه ۲۲ دادسرای ناحیه کرج مراجعه کنند.

خط زرد

هشدار! در ساخت و ساز (۲)

ضوابط استفاده از داربست فلزی

*برای جلوگیری از خطر سقوط کارگران، باید در طرف باز جایگاه کار، نرده حفاظتی با ارتفاع مناسب نصب شود. همچنین برای پیشگیری از افتادن مصالح و ابزار کار از روی کف جایگاه نیز باید در لبه های باز جایگاه ها پاخور های مناسب نصب شود.

*کلیه عملیات مربوط به نصب، تغییر، تعمیر یا پیاده کردن داربست، باید توسط اشخاص ذی صلاح انجام شود.

*تخته های چوبی که برای جایگاه داربست مورد استفاده قرار می گیرد، باید صاف، بدون هرگونه زائده و برجستگی و عاری از مواد چسبنده و لغزنده باشد. کلیه تخته ها باید دارای ضخامت یکسان بوده و حداقل ۲۵ سانتیمتر عرض و ۵ سانتیمتر ضخامت داشته باشد و طوری در کنار یکدیگر قرار داده و مهاربندی شود که به هیچ وجه جابه جا نشده و ابزار و مصالح از بین آنها به پایین سقوط نکند. همچنین عرض جایگاه باید حداقل ۵۰ سانتیمتر و فاصله تکیه گاه های تخته ها حداکثر ۲۵۰ سانتیمتر باشد.

سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی

حادثه در قاب

سقوط یک فروند هلیکوپتر در سانتاباربارای کالیفرنیا- رکنا

از میان خبرها

جزئیات حادثه واژگونی اتوبوس دانش آموزان

اتوبوس دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی یکی از مدارس رباط کریم، صبح دیروز در محدوده بزرگراه یادگار امام (ره) واژگون شد و تعدادی از دانش آموزان مصدوم شدند.

به گزارش میزان، راننده این اتوبوس که از ناحیه کلاچ دچار نقص فنی شده بود، به دلیل شیب زیاد خیابان، توان کنترل خودروی خود را از دست می دهد. در پی این اتفاق، اتوبوس به داخل یک کانال آب می افتد و همین موضوع نیز سبب مصدومیت دانش آموزان می شود. در پی این حادثه ۲۰ تن از دانش آموزانی که قرار بود به پارک ژوراسیک تهران بروند، مصدوم و به بیمارستان اعزام شدند. سرپرست اورژانس کشور نیز در رابطه با وضعیت دانش آموزان مصدوم گفت: مصدومیت دانش آموزان حادثه واژگونی اتوبوس در بزرگراه یادگار امام (ره) جزئی بوده و حال هیچ یک از آن ها وخیم گزارش نشده است. وی افزود: در این اتوبوس ۳۵ دانش آموز حضور داشته اند که تعدادی از آن ها مصدوم شده اند.

۳ مامور انتظامی در سانحه تصادف جان باختند

تصادف یک دستگاه پژو با کمپرسی سوختی در محور خاش، محدوده فرعی سراوان کیلومتر ۹، چهار کشته و یک مجروح برجاگذاشت. به گزارش رکنا، رئیس پلیس راه شمال استان سیستان و بلوچستان در تشریح این خبر گفت: براساس اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره تصادف فوتی، در ساعت ۱۳:۴۰ برخورد پژو ۴۰۵ با کامیون کمپرسی سوختی، ۴ کشته که سه نفر آن ها از ماموران نیروی انتظامی بودند و یک مجروح برجای گذاشت. رکنا همچنین می افزاید: گزارش ها حاکی از این است که سه نفر از ماموران پلیس اطلاعات شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان هنگام تعقیب و گریز یک کامیون حامل سوخت قاچاق، توسط راننده کامیون زیر گرفته شدند و به شهادت رسیدند. اسامی شهدا به ترتیب زیر اعلام می شود:

۱_ستوان یکم غلامپیری فرزند تاج محمد جانشین پلیس اطلاعات

۲_استوردوم مجید رخ بین فرزند محمد

۳_استوردوم جواد سراوانی پیر فرزند سلطان علی

امیرمحمد چهارساله قربانی دیگر کودک آزاری

دادستان پاکدشت از بازداشت پدر و مادری خبر داد که به شکنجه فرزند چهارساله خود اقدام کرده بودند.

به گزارش میزان، پنجشنبه گذشته گزارش وقوع یک فقره کودک آزاری به دادسرای پاکدشت ارسال شد. بنابر اظهارات اهالی منطقه پاکدشت، اعلام شد که پدر و مادری شیشه ای فرزند خود به نام امیر محمد که چهارساله است را مورد شکنجه قرار داده اند و آثار ضرب و جرح و شکنجه بر بدن کودک مشخص بود.

به گفته شاهدان عینی، این کودک در بیشتر مواقع در بیرون از خانه به سر می برد.

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان پاکدشت در رابطه با جزئیات این خبر اظهار کرد: گزارش واصله به اداره بهزیستی ارسال شد که با مراجعه مددکار و نیروی انتظامی موضوع مورد پیگیری قرار گرفت و صحت آن تایید شد.

علیشپور در ادامه بیان کرد: به منظور تحقیقات بیشتر، کودک برای ادامه معالجه به پزشکی قانونی فرستاده شد و آثار شکنجه موجود در سرتاپای وی مورد تایید پزشکی قانونی قرار گرفت.

این مقام قضایی اضافه کرد: دادستانی نیز با هدف اجرای وظیفه مدعی العموم و قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، دستور دستگیری این پدر و مادر را صادر کرد و آن ها پس از تفهیم اتهام با قرار تامین بازداشت شدند. وی در پایان خاطرنشان کرد: این کودک چهارساله نیز به اداره بهزیستی تحویل داده شد.

در امتداد تاریکی

مشتی قرص!!

خودم فرزند طلاق بودم و ناملایمات زیادی را در زندگی تجربه کرده بودم، به همین خاطر نمی خواستم پس از شرایط تلخی که در زندگی ام به وجود آمد از همسرم طلاق بگیرم چرا که دوست نداشتم فرزندان من نیز بچه های طلاق نام بگیرند و به سرنوشت من دچار شوند اما روزگار به گونه ای رقم خورد که...

این ها بخشی از اظهارات زن ۳۳ ساله ای است که با کوله باری از مشکلات و نگرانی های زندگی اش مقابل کارشناس و مشاور اجتماعی کلانتری سپاد مشهد نشسته بود. او در حالی که عنوان می کرد به خاطر بیماری های روانی همسرم و مداخله های برادرانش در زندگی ام امنیت جانی ندارم و می خواهم از او طلاق بگیرم، دفتر خاطراتش را به سال ها قبل ورق زد و گفت: ۸ سال بیشتر نداشتم که پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند و ضربه سنگین طلاق بر روح و روان من فرود آمد اما من کودکی بیش نبودم و کاری از دستم برنمی آمد. خیلی زود پدرم با دختر دیگری ازدواج کرد و من زندگی در یک خانواده آشفته را دوباره تجربه کردم چرا که نامادری ام توجهی به من نداشت و من برای آن که کتک نخورم مجبور به سکوت بودم. با همین شرایط تا کلاس سوم راهنمایی تحصیل کردم و بعد از آن در امور خانه به نامادری ام کمک می کردم تا این که ۱۳ سال قبل پدرم تصمیم گرفت مرا به عقد برادرزاده اش دربیاورد. خانواده عمویم افرادی خلافکار، معتاد و موادفروش بودند. با این وجود من حق انتخاب نداشتم و برای رهایی از وضعیتی که در آن قرار داشتم، سکوت کردم و بدین ترتیب به عقد «قدیر» درآمدم. طولی نکشید که صاحب ۲ فرزند زیبا شدم اما رفتارها و حرکات غیرمتعارف همسرم آزارم می داد تا این که متوجه شدم او دچار مشکلات روحی و روانی است و حتی مدتی را در مرکز روانپزشکی ابن سینای مشهد بستری بوده است. در حالی که فرزندانم بزرگ می شدند سوءظن های روانی شوهرم نیز شدت می گرفت. او مدام مرا تهدید می کرد که سرم را می برد به خاطر آن که با کسی ارتباط دارم. برای آن که از همسرم طلاق نگیرم، خانواده اش مرا نیز همانند همسرم معتاد کردند ولی خیلی زود به خودم آمدم و با کمک خانواده ام اعتیادم را ترک کردم. با این وجود از حدود ۲ سال قبل شرایط زندگی ام به گونه ای شد که دیگر همسرم فقط در منزل می خوابید و مواد مخدر مصرف می کرد. من هم با خرید یک دستگاه پراید در سرویس مدارس مشغول کار شدم و مسئولیت زندگی را به دوش گرفتم. این در حالی بود که چند بار برای ترک اعتیاد همسرم اقدام کردم ولی آخرین بار دچار تشنج شد و مجبور شدم دوباره او را به منزل بازگردانم. همه این مشکلات در حالی است که همسرم خودسرانه مشتی قرص آرام بخش مصرف می کند. او گاهی شب ها شیر گاز را باز می گذارد و گاهی به من و فرزندانم حمله ور می شود و آن ها را از منزل بیرون می اندازد. وقتی قرص هایش را پنهان می کنم تا خودم براساس تجویز پزشک به او بدهم برادرانش که در نزدیکی ما سکونت دارند، دخالت می کنند و مرا به باد کتک می گیرند. دیگر از این وضعیت خسته شده ام و با آن که دوست ندارم فرزندانم به سرنوشت من دچار شوند اما...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی
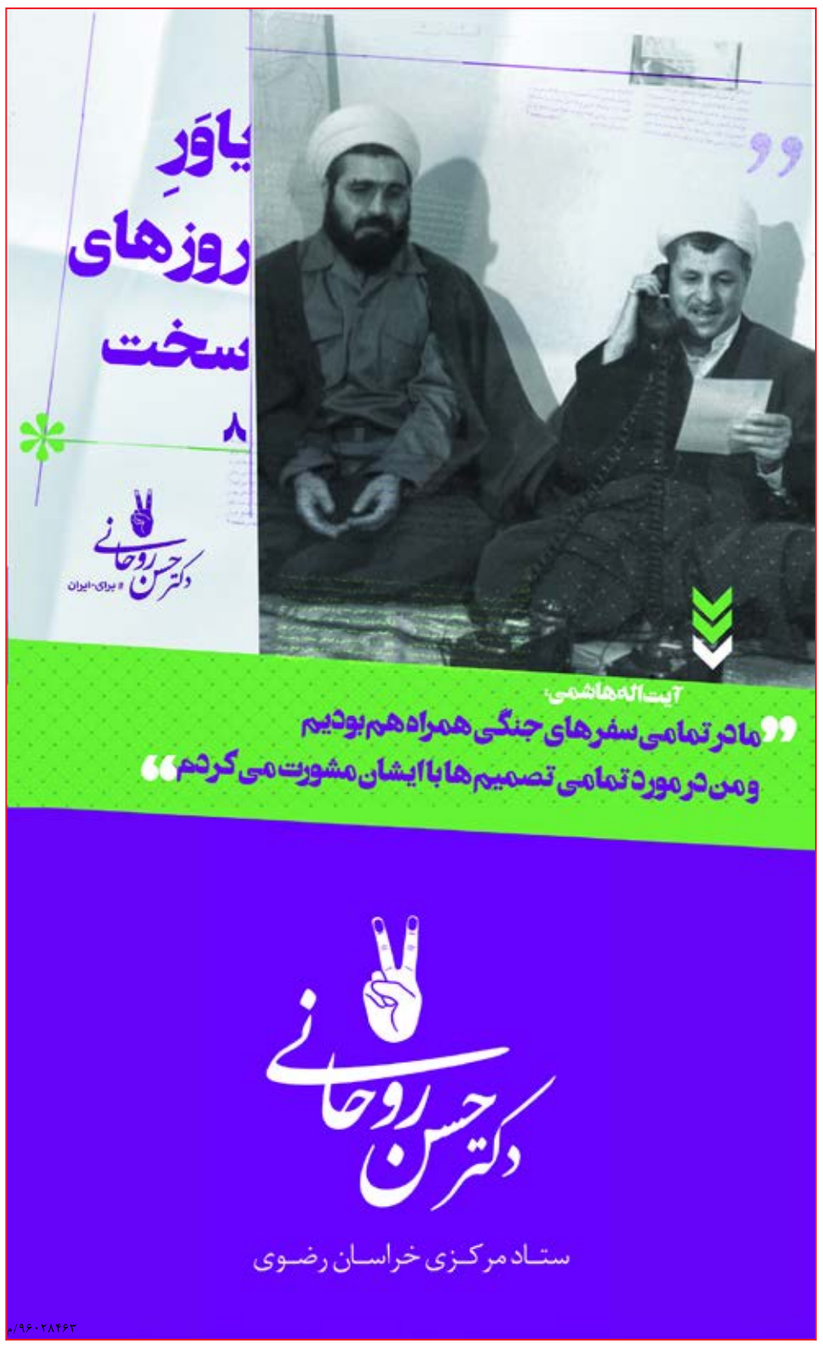
تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان